

همانندی مفهوم و کارکرد نیروهای خیر و شر در طومارهای بحرالمیت و عقاید ایران باستان^۱

طاهره حاج ابراهیمی^۲

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه ادیان و عرفان، تهران، ایران.

علی قادری اردکانی^۳

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه ادیان و عرفان، تهران، ایران.

چکیده

طومارهای بحرالمیت به مجموعه دست‌نوشته‌هایی اطلاق می‌شود که از مجموعه غارهایی در منطقه‌ای میان مرز اسرائیل و اردن در سال ۱۹۴۷ میلادی در کرانه‌های بحرالمیت به‌طور اتفاقی کشف شده است. طومارها به اسنی‌ها تعلق دارد، که جامعه‌ای را تشکیل داده بودند که به قمران معروف است. بسیاری از مفاهیم ایران باستان به طومارها راه یافته است و به همین دلیل نظر بسیاری از پژوهش‌گران را به خود جلب کرده است. تقابل میان اهورامزدا و اهریمن و نیروهایشان که در طومارها به تقابل میان فرزندان نور و فرزندان تاریکی تعبیر می‌شود شالوده اصلی طومارها را تشکیل می‌دهد. رویارویی روشنائی و تاریکی به تقابل فرشتگان با دیوها منجر می‌شود که در مرتبه‌ای پایین‌تر از خداوند قرار می‌گیرند و سرانجام میان اینها نبردی به وقوع خواهد پیوست و نیروهای روشنائی بر قوای اهریمنی چیره خواهند شد. همچنین نیروهای خیر و شر در هر دو سنت دارای سلسله مراتبی هستند و هر یک از آنها کارکردهای خاص خود را دارند. چنین مفاهیمی در سنت اولیه یهودی و کتاب مقدس عبری دیده نمی‌شود از این رو، برخی پژوهش‌گران بر این باورند که اسنی‌ها این باورها را در اثر ارتباط با ایرانیان و دین زردشتی اقتباس کرده‌اند.

کلید واژه‌ها

طومارهای بحرالمیت، اسنی‌ها، جامعه قمران، فرشته گرای، دیوگرایی.

۱. تاریخ دریافت: ۸/۱۰/۸۹ تاریخ پذیرش: ۱۱/۱۲/۸۹

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): t.hajebrahimi@yahoo.com

۳. پست الکترونیک: alighaderi_616@yahoo.com

مقدمه

در دین زردشتی با دو نیروی اصلی مواجه می‌شویم که از آنها به اهورامزدا و اهریمن تعبیر می‌شود. اهورامزدا یا اورمزد خیر مطلق است و هر آنچه بدو تعلق دارد در زمره قلمروی روشنائی قرار می‌گیرد. اورمزد ویژگی دیگری نیز دارد و آن پیش‌دانشی اوست که به سبب آن به همه امور آگاه است. اهریمن در نقطه مقابل اورمزد و نیز در رأس تاریکی‌ها قرار دارد و پس‌دانشی ویژگی ذاتی اوست. هر دو نیرو یاران و همدستان خود را می‌آفرینند و به مقابله با هم می‌پردازند که سرانجام این نبرد در آخرالزمان پیروزی نیروی خیر و نابودی نیروی شر است. در نوشته‌های قمران نیز مشابه این مفاهیم دیده می‌شود. در آنجا نیز از نیروهای خیر و شر و نابودی فرجامین نیروهای شر سخن رفته است. با مطالعه همانندی‌های موجود میان نیروهای خیر و شر در *طومارها*، و امشاسپندان و ایزدان در دین زردشتی می‌توان از تاثیر دین زردشتی بر جامعه قمران سخن گفت. این نوشتار بر آن است تا با مطالعه شباهت‌ها و کارکردهای نیروهای خیر و شر در هر دو زمینه مورد بحث به این موضوع بپردازد. از این رو، نخست به نیروهای خیر و شر در ایران باستان و *طومارهای بحرالمیت* اشاره می‌کنیم و پس از آن به بررسی نکته‌ها و مفاهیم مشابه در این رابطه می‌پردازیم.

خاستگاه نیروهای خیر و شر در ایران باستان

برای پی بردن به خاستگاه نیروهای خیر و شر در دین زردشتی، باید به اسطوره آفرینش زردشتی رجوع کنیم. بر طبق سنت زردشتی، فرآیند آفرینش و فرجام جهان در یک دوره دوازده هزار ساله اتفاق می‌افتد. اهریمن به دلیل صاحب اختیار بودن و حق انتخاب، رودروی اهورامزدا قرار می‌گیرد و در مباحثه با اهورامزدا خواستار هموردی با او می‌شود. اهورامزدا چون همه آگاه و پیش‌دانش است و از سوی دیگر خدای خرد و خردورزی است، برای هموردی با او این جهان را می‌آفریند. هدف اهورامزدا از آفرینش جهان فراهم آوردن عرصه نبرد برای رویارویی و مقابله با اهریمن است. البته این دوره دوازده هزارساله به چهار دوره سه‌هزار ساله تقسیم می‌شود که در دوران نخستین، عالم به صورت مینوی و در دوره‌های بعد مینوی و گیتی است. در سه هزار سال نخست که جهان به حالت مینوی

است و از مکان و ماده سخنی به میان نمی‌آید از دو هستی صحبت می‌شود: یکی جهان متعلق به اورمزد که پر از نور، زندگی و نیکی است و دیگری جهان متعلق به اهریمن که تاریک و زشت است.^۱

کوتاه سخن آنکه در سه هزار سال نخستین، اورمزد امشاسپندان^۲ را می‌آفریند. امشاسپندان جلوه‌های اورمزدند. در دین زردشتی تعداد امشاسپندان شش است که نخستین آنها سپنته‌مینو به معنی روح افزایش بخش و مقدس است. سپنته‌مینو نماد اصلی اهورامزدا و روح و اندیشه او به شمار می‌آید. با توجه به دوگانه‌گرایی در دین زردشتی، ویژگی‌های نیک اهورایی در برابر خصلت‌های زشت اهریمنی، و امشاسپندان در برابر کماریکان یا سردیوان قرار می‌گیرند. البته در این نظام دوگانه، آنچنان که از گاهان بر می‌آید، اهورامزدا از آغاز مستقیماً در برابر اهریمن نبوده است بلکه مطابق سنت گاهانی این سپنته‌مینو بود که در برابر انگره‌مینو قرار داشته، اما به تدریج، در سنت متأخر، سپنته‌مینو با اهورامزدا یکی دانسته شد.^۳

وهومنه^۴ یا بهمن به معنی اندیشه نیک امشاسپندی است که انسان‌ها را به سوی آفریدگار هدایت می‌کند. اشه و هیشته^۵ یا اردبیهشت به معنی بهترین اشه، یا راستی، نمادی از نظام جهانی، قانون ایزدی و نظم اخلاقی است. شهرپور یا خشره و ویریه^۶ مظهر شکوه و سیطره و قدرت آفریدگار است. اسپندارم یا سپنته ارمیتی^۷ به معنی اخلاص و بردباری مقدس است. خرداد یا هئوروات^۸ به معنی تمامیت و کمال و امرداد یا امرتات به معنی بی‌مرگی و جاودانگی است.^۹

۱. آموزگار، ژاله، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران، سمت، ۱۳۸۰، ص ۱۲.

۲. امشاسپندان به معنی جاودانان مقدس است.

۳. آموزگار، ژاله، «دوگانگی نیکی‌ها و بدی‌ها و برادران دروغین نیکی‌ها در اخلاق زرتشتی»، *زبان، فرهنگ و*

اسطوره، تهران، معین، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱.

4. vohu manah
5. Asha- vahishta
6. khshathra- vairya
7. spanta- Armaiti
8. Haurvatat

۹. آموزگار، ژاله، *تاریخ اساطیری ایران*، صص ۱۴-۱۸.

مشخصه اصلی اهورامزدا «روح نیکوکار» یا «آفریننده» است که منحصرأ به او تعلق دارد، اما جلوه‌های دیگر تجلیاتی از اهورامزدا هستند که در هر یک از آنها انسان نیز می‌تواند سهیم باشد. این جلوه‌ها خدا را به انسان و انسان را به خدا نزدیک می‌کند. در واقع با روی آوردن به اهورامزدا و اطاعت از او و به واسطه «اندیشه نیک» می‌توان به جاودانگی دست یافت. بنابراین وظیفه انسان این است که در این راه گام بردارد.^۱ انسان با اراده و اختیار خویش مسیر سرنوشت خود را مشخص می‌سازد. اگر او خرد خویش را به کار گیرد و مناسک دینی خود را به بهترین وجه به جای آورد و از خداوند اطاعت کند تحت نظارت و محافظت نیروهایی قرار می‌گیرد که روان او را محافظت و سرنوشت او را تعیین می‌کنند.^۲

امشاسپندان که جلوه‌های الهی اند از انسان اشونی (راستی‌گزیده) که به سوی اهورامزدا گام بر می‌دارد، محافظت می‌کنند و انسان با کمک آنان می‌تواند به اهورامزدا نزدیک شود، در مقابل اهورامزدا نیز به همین شیوه با انسان‌ها مرتبط می‌شود و دستورالعمل‌های لازم را به انسان‌ها ارائه می‌کند و به آنها برکت و اجر اخروی می‌دهد.^۳

«اهورامزدا در گاهان خدای واحد و آفریدگار دانا و توانایی است که با نیروها و جلوه‌های ششگانه خود، یعنی امشاسپندان، این جهان را می‌آفریند و نظام و آئین خویش را در آن برقرار می‌سازد و کسانی را که جانب راستی و آئین بهین او را اختیار کرده‌اند، به پیکار با دروغ و پلیدی می‌گمارد و زرتشت را رسالت می‌دهد تا مردمان را به جانب راستی و رستگاری و درست‌کرداران را به سوی ملکوت بی‌زوال مزدائی رهبری کند».^۴

ایرانیان همیشه بر این باور بوده‌اند که در پس تمام پدیده‌های متکثر تنها یک حقیقت و یک خدا نهفته است که از ازل بوده و کسی او را نزاده و این خدا منبع و منشأ تمام چیزهای سودمند است. اوست که جهان را آفریده و به واسطه روح مقدس یا سپننه مینیو، که عامل

۱. هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۵، صص

۷۰-۷۱.

۲. همان، صص ۷۶.

5. Carnoy, A. J., "The Religion of Ancient Persia", *Catholic Truth Society*, London, 1934, pp.12-15.

۴. مجتباتی، فتح الله، شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان، تهران، انتشارات انجمن فرهنگ

ایران باستان، ۱۳۵۲، صص ۷.

فعال اوست و نیز با کمک امشاسپندان که آنها را برای کمک در امر آفرینش خلق کرده است، این جهان را سر و سامان می‌دهد. از این رو، امشاسپندان همان ارواح نیکی هستند که فرشتگان روشنایی را تشکیل می‌دهند و تمام نیکی‌ها به قلمرو آنها تعلق دارد.^۱

اما اهریمنان در آموزه‌های زرتشت همان دیوها و آفریده‌های شروری هستند که به شرارت و دروغ‌گرایی دارند و علیه کسانی که اشته^۲ و راستی را برگزیده‌اند قد علم می‌کنند. اهریمن که در تقابل با اهورامزدا قرار دارد، آفریننده این دیوهاست. قربانی و نیایش وسایلی هستند که انسان‌ها برای نابودی و خنثی کردن اثر دیوها به کار می‌برند. فرد راستی‌گزیده باید با طرد دیوان و دوری‌گزیدن از خصلت‌های آنان باورمندی خود را نسبت به دین زرتشت و اهورامزدا نشان دهد. دروغ یا دروغ که تجسم دیو دروغ و نیرنگ و فریب است در برابر اشته قرار دارد. البته موجودات اهریمنی نیز چون جلوه‌های اهورایی گوناگون‌اند. آنها مصمم‌اند که با تمام توان خود انسان را به ورطه گمراهی و تاریکی، و جهان را به تباهی بکشانند. جهان اکنون صحنه نبرد این دو نیروی ازلی است که با دخالت انسان، به عنوان عاملی سرنوشت‌ساز، به سوی ریشه‌کن کردن شر و تمام قوایش حرکت می‌کند.^۳

بنابراین در یک چهارچوب کلی می‌توان بحث را این‌گونه پی‌گرفت که در رأس همه نیروها، اهورامزدا قرار دارد که خدای همه‌آگاه و قادر متعال است که آفریننده همه چیزهاست. در کنار او سپنته مینیو یا روح مقدس قرار دارد که از اهورامزدا متمایز است، ولی بعدها، به‌ویژه زمانی که از روح ویرانگر و مخالف یاد می‌شود، با اهورامزدا یکی می‌شود؛ اما به هر حال در درجه‌ای پائین‌تر از او قرار می‌گیرد. علاوه بر سپنته مینیو در مقام پائین‌تر از اهورامزدا شش امشاسپند را می‌یابیم و باز هم در مقامی پائین‌تر یزته‌ها یا ایزدان بزرگ را مشاهده می‌کنیم که موجوداتی پرستیدنی و ستودنی هستند و به لحاظ رتبه‌بندی

1. Boyce, Mary, *Textual Sources for the Study of Zoroastrianism*, UK, Manchester University Press, 1984, p.12.

2. AŠa

3. Yarshater, Ehsan, "Iranian Common Beliefs and World-View", *The Cambridge History of Iran: The Seleucid, Parthian and Sasanian Periods*, Ehsan Yarshater (ed.), Great Britain, Cambridge University Press, 1983, Vol.3, pp.347-353.

پس از اهورامزدا و امشاسپندان قرار می‌گیرند. مهم‌ترین آنها میترا (مهر)، سرئوشه (سروش)، رشنو (رشن) و اناهیتا (ناهید) هستند که سه ایزد اولی در داوری مردگان بر سر پل چینود در مسند قضاوت قرار دارند.^۲

قلمرو اهریمن دنیای تاریکی‌ها و بدی‌هاست که در مقابل خوبی و روشنایی قرار دارد و در آن برای هر کدام از امشاسپندان و ایزدان هموردی وجود دارد. کماریکان یا سردیوان، سرکردگان دیوان هستند و در زمره موجودات بد مینوی قرار دارند. شمار آنها نیز شش است که مقابل شش امشاسپند قرار می‌گیرند که به ترتیب عبارتند از: اکومن که دشمن بهمن است و نماد بداندیشی است. ایندره دشمن اردیبهشت و ساوول (سروه) دشمن شهریور است. ناهیه (نانگه‌یثیه)^۳ دشمن سپندارمد است. تیریز (تئیری)^۴ دشمن خرداد و زیریز (زئیری)^۵ دشمن مرداد است. گاهی خود اهریمن و گاه ائخمه که دیو خشم است نیز به دیوها اضافه می‌شود.^۶

«علاوه بر سردیوان، همه جلوه‌های زشت و صفات پلید نیز به صورت دیوان و دروجان در برابر ایزدان شخصیت می‌یابند. دروج در آغاز نامی برای ماده دیوان بوده است ولی پس از آن مترادف با دیو می‌شود. دیوها نیز مانند ایزدان سلسله مراتبی دارند و در مقام‌های بالا و پائین قرار می‌گیرند».^۷

تعداد دیوها بسیار زیاد است و برای نمونه چند عدد از آنها را به‌اختصار توضیح می‌دهیم. جه یا جهی، دیو زنی است که در آغاز آفرینش با بیدار کردن اهریمن نقش تخریبی عمده‌ای را ایفا می‌کند. تمام پلیدی و آلودگی‌های زنانه از او نشأت می‌گیرد. دیوهای دیگری که با مرگ ارتباط دارند عبارتند از: استویداد که مرگ را برای انسان به ارمغان می‌آورد، وای بد جان را از تن انسان جدا می‌کند، و نسو نیز دیوی است که به بدن انسان

1. Sraosha

۲. موله، م، *ایران باستان*، ترجمه ژاله آموزگار، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۲، ص ۵۶.

3. Nanghaithya

4. Tairi

5. Zairi

۶. آموزگار، *تاریخ اساطیری ایران*، صص ۳۷-۳۸.

۷. آموزگار، *تاریخ اساطیری ایران*، صص ۳۷-۳۸.

حمله می‌کند و نخستین عامل مرگ است. دیو خشم یا ائخمه^۱ دیوی است که پیام‌آور اهریمن است. او به همراه دیو آز که نماد سیری‌ناپذیری و طمع است با اهریمن به پایان جهان می‌رسند و سروش دیو خشم را از میان می‌برد.^۲

«ائخمه تجسم بی‌رحمی و قساوت است که پیوسته در پی ستیزه‌جویی و مبارزه است و وقتی که دیگر نمی‌تواند برای «آفرینش خوب» شری به‌وجود آورد، توجه‌اش را به سوی «آفرینش بد» معطوف می‌دارد و در اردوی دیوان نزاع برپا می‌کند. در یورشش بر آدمیان، به ویژه زبان بدکاران او را یاری می‌دهد، زیرا اینان خشم و غضب را بر می‌انگیزند. «خشم» آنانی را که تحت تأثیر مسکرات قرار می‌گیرند، همراهی می‌کند و دیوان «زولیده مو» فرزندان او به شمار می‌روند.»^۳

فرشته‌ها و دیوها در طومارهای بحرالمیت

با ورود اندیشه‌های جدید به یهودیت در دوره معبد دوم، این دین دستخوش دگرگونی‌های گوناگونی شد و برخی مفاهیم که از پیش در سنت یهودی وجود داشت، به گونه‌ای دیگر بسط یافت. بخشی از این دگرگونی‌ها را می‌توان در باور به سلسله مراتب فرشتگان و دیوها در طومارهای بحرالمیت مشاهده نمود. در طومارها فرشتگان گوناگونی را می‌بینیم که هر کدام با توجه به سلسله مراتبشان کارکردهای خاصی دارند. نکته‌ای که همواره باید بدان توجه داشت متعال بودن خداوند و دور از دسترس بودن او در سنت یهودی است، از این رو، در اینجا فرشتگان وارد عرصه عمل می‌شوند و در نقش واسطه عمل می‌کنند. افزون بر این، این فرشتگان هستند که رؤیاهای مکاشفه‌ای که برای برخی افراد روی می‌دهد را به آنان منتقل می‌کنند؛ از جمله گفته شده که کتاب یوبیل توسط فرشته‌ای بر موسی املاء شده است. در این کتاب فرشتگان گوناگونی به چشم می‌خورد مانند: فرشتگان مقدس، فرشته آتش، فرشته بادها، فرشته ابرها و تگرگ، فرشتگان مسئول فصل‌های سال، فرشتگان مخصوص به روزهای ماه و فرشتگان اصلی به «فرشتگان بزرگ»^۴ مشهورند و تعدادشان

1. Aeshma

۲. آموزگار، تاریخ اساطیری ایران، صص ۳۹-۴۰.

۳. هینلز، ص ۸۲.

4. Archangels

تعدادشان هفت است. اورئیل^۱، رَعوئیل^۲، رفائیل^۳، میکائیل^۴، جبرئیل^۵، ساریئیل^۶ و جرئیل^۷ هفت فرشتهٔ بزرگی هستند که در کتاب *اول/اخنوخ* و بخش‌هایی از *طومارها* به آنها اشاره شده است. همچنین فرشتگان «هبوط کرده»^۸ نیز گروه دیگری از فرشتگان‌اند که روی زمین قرار دارند و البته ممکن است در کارهای شر دخیل شوند. در برخی منابع شیطان یکی از این فرشتگان به شمار می‌آید و علت هبوط او سر پیچی از امر خداوند و سجده نکردن بر انسان است.^۹

ملک عبری^{۱۰} و آنجلوس^{۱۱} یونانی دو اصطلاحی هستند که به پیام‌آورانی (فرستاده‌ها) اشاره می‌کند که میان انسان‌ها و خداوند قرار دارند. در دورهٔ معبد دوم، پیام‌آوران الهی با دیگر موجودات آسمانی مانند سرافیم^{۱۲} که موجوداتی مقدس‌اند، یکسان در نظر گرفته شد و جایگاهی برابر یافت. با این برابری، فرشته به خودی خود موجودی آسمانی به شمار می‌آید که با انسان‌ها در تماس است. فرشتگان نقش بارزی را در *طومارهای بحرالمیت* ایفا می‌کنند که این موضوع در دیگر آثار یهودی دورهٔ معبد دوم نیز نمود یافت تا جایی که یوسفوس نقل می‌کند: «اسنی‌ها در حفظ و پنهان نگه داشتن نام فرشته‌ها بسیار می‌کوشیدند».^{۱۳}

کتاب‌های *اخنوخ* و *یویئیل* دو منبع بسیار مهم در موضوع فرشته‌شناسی به‌شمار می‌روند. با اینکه به نظر می‌رسد این دو کتاب از دل جامعهٔ قمران نشأت نگرفته است با این حال،

1. Uriel
2. Raguel
3. Raphael
4. Michael
5. Gabriel
6. Sariel
7. Jeremiel
8. Fallen Angels
9. *The New Encyclopedia of Judaism*, Geoffrey Wigoder & Fred Skolnik & Shmuel Himelstein (eds.), New York, The Jerusalem Publishing House, 2002, p.63.
10. Malak
11. Angelos
12. Seraphim
13. Mach, Michael, "Angels", *Encyclopedia of The Dead Sea Scrolls*, Lawrence H. Schiffman & James C. Vanderkam (eds.), New York, Oxford University Press, 2000, Vol. 2, p. 24.

فرشته‌شناسی‌ای که در این دو قطعه مطرح شده مورد پذیرش اعضای جامعه قمران قرار گرفته است.^۱

در طومارها بسیاری از ویژگی‌ها و کارکردهای فرشتگان به چشم می‌خورد که بسیار جالب توجه است. اینکه فرشته‌ها بر طبیعت حکمفرما و در خدمت خداوند هستند و از بسیاری از امور نگرانی می‌کنند. از سوی دیگر، آنچه که باعث تعجب می‌شود و به نوعی نوآوری اعضای جامعه قمران به حساب می‌آید این است که در طومارها برخی اصطلاح‌های عبری که در متون مقدس آمده است، بدون در نظر گرفتن معنای اولیه‌شان مستقیماً به‌عنوان نام یک فرشته به‌کار رفته است. از جمله اصطلاح «پسران خدا»^۲ که در «سفر پیدایش» آمده است^۳ در طومارها به «موجودات الهی»^۴ تغییر شکل پیدا می‌کند. موجودات مقدس و الهی در «طومار نبرد» در رتبه همراه، همیار و هم‌زم خداوند در نبرد با فرزندان تاریکی قرار می‌گیرند: «[...] موجودات مقدس پدیدار می‌شوند تا حقیقت را یاری کنند و فرزندان تاریکی را نابود سازند».^۵

«طومار نبرد» به فرشته‌هایی اشاره می‌کند که دوشادوش انسان‌های راستی‌گزیده به مبارزه علیه نیروهای ظلمت می‌پردازند. یکی از بارزترین ویژگی‌های فرشتگان در طومارهای بحرالمیت تطور معنای «فرشته» برای اصطلاح عبری «ruah» است. در طومارها دو مفهوم متفاوت برای این اصطلاح یافت می‌شود. برای نمونه در قطعه‌ای چنین آمده است: «خدایا روحی گمراه را از خطای بزرگ مبرا ساخته‌ای تا حدی که هم‌ردیف با ارواح مقدس و پسران آسمانی قرار گرفته است. خداوندا، با ارواح خود برای انسان سرنوشتی محتوم معین کرده‌ای».^۶

«ارواح مقدس» و «پسران آسمان» اصطلاح‌هایی شاخص برای اشاره به فرشتگان در طومارهای بحرالمیت به شمار می‌آید. فرشتگان در این قطعه با ارواح خرد برابر نهاده

1. Ibid., p.25.

2. Sons of God

۳. سفر پیدایش، ۶: ۱-۴.

4. Divine Beings

5. 1QMi.16; *The Dead Sea Scrolls: Study Edition*, Florentino Garcia Martinez & Eibert J. C. Tigchelaar (eds.), Netherlands, Brill, 1997, p. 115.

6. 1QH XI. 22-23.

شده‌اند. در واقع فرشتگان همان ارواح خرد هستند البته دانشی محدود دارند. بنابراین در این قطعه منظور از ارواح و پسران آسمان همان فرشتگان است.^۱

در *طومارهای بحرالمیت* چندین مرتبه این همانندی‌ها به چشم می‌خورد که به فرشته‌های گوناگون اشاره می‌شود. «طومار ملک صدیق»^۲، ملک صدیق را در برابر با بلیال که فرشته شر است و دیگر فرشته‌های همراه با او قرار می‌دهد و از این روی، خود ملک صدیق در جایگاه منجی آخرالزمان قرار می‌گیرد یعنی به یک شخصیت آسمانی تبدیل می‌شود که نجات‌بخش است.

متن‌های *کتاب مقدس در طومارها* نیز به معرفی فرشته‌ها و کارکرد آنها می‌پردازند. در اپوکریفای «پیدایش»^۳ در باب نوح که تازه متولد شده است می‌بینیم که تولد وی به عنوان نشانه‌ای به حساب می‌آید و به والدین نوح لقب فرشتگان نگهبان داده می‌شود. همچنین به نظر می‌رسد سه مردی که هنگام ختنه ابراهیم حضور دارند در «سفر پیدایش» آیه ۱۸^۴ در مقام فرشته باشند.

در *طومارهای بحرالمیت* انسان‌ها با توجه به مسیری که در زندگی پیش می‌گیرند به دو گروه انسان‌های پیرو فرشته نور و راستی و انسان‌های پیرو فرشته ظلمت و تاریکی تقسیم می‌شوند. جامعه نیز از این قاعده مستثنی نیست و خود اعضای جامعه قمران در سلک فرشته نور در آمده و بایست در آخرالزمان با فرشته تاریکی و نیروهایش نبرد کنند. بنابراین در اینجا نیز نوعی تقسیم‌بندی را مشاهده می‌کنیم و سلسه مراتبی برای فرشتگان دیده می‌شود. از جمله در «طومار نبرد» قمرانی‌ها در مقام فرزندان نور هستند و قرار است با فرشتگان تاریکی بستیزند. در اینجا فرشتگان نیک و بد با انسان‌ها بخشی از ارتش جنگاوران را تشکیل می‌دهند. نام‌های فرشتگان بزرگ یعنی فرشته‌هایی که در رأس این دو سپاه وجود دارند بر روی حفاظ‌های برج‌ها حک شده است.^۵ افزون بر این، فرشتگان هم‌دوش با انسان‌ها به نیایش خداوند می‌پردازند: «خداوند با فرشتگان خرد، سرنوشت

1. Mach, Michael, "Angels", p.25.

2. 11Q13.

3. 1Q ap Gen.

4. 9Q180.

5. 1Q mix. 14.16.

انسان را رقم می‌زنی تا [انسان‌ها و فرشتگان] نام تو را تمجید و به بزرگی یاد کنند و کارهای تو را شگفت پندارند»^۱.

در متون و دست نوشته‌های قمران از دیوها و نیروهای اهریمنی نیز سخن رفته است. بلیئال و مستمه دو اصطلاحی هستند که به طور بارز به نیروهای شر اشاره دارد، نیروهایی که در تقابل با نیروهای خیر قرار دارند. اصطلاح یونانی daimon به معنی دیو و معادل‌های آن که در این متون آمده است در کتاب مقدس عبری همتایی ندارد و به سختی می‌توان اصطلاحی همسان با آن را در متون اولیه یافت.^۲

«اصطلاح حاخامی shed به معنی دیو که خود در اصل واژه‌ای آشوری است تنها دو بار در کتاب مقدس عبری به چشم می‌خورد. یکی در "سفر تثنیه" باب ۳۲ آیه ۱۷ و دیگری در "مزامیر" باب ۱۰۶ آیه ۳۷؛ این اصطلاح در نسخه آرامی طوبیت نیز پنج مرتبه به چشم می‌خورد که همیشه معادل daimon یونانی است»^۳.

اصطلاح «ارواح حرامزاده‌ها»^۴ در سرودهای نخدمندان^۵ و در ترکیب با کتاب اول/خنوخ/خنوخ و کتاب یوبیل خاستگاه گروهی از دیوها را افشا می‌سازد. در واقع این گروه از نیروهای شر حاصل آمیزش نامشروع فرشته‌های طغیانگر و زنان هستند. در «سند دمشق»^۶ یکی از دام‌های بلیئال عمل آمیزش نامشروع است. ترکیب رفتار جنسی نامشروع و بت‌پرستی در سنت یهودی در چندین جا به چشم می‌خورد و به نظر می‌رسد در اول/خنوخ به آن تلویحاً اشاره شده است و اعضای جامعه قمران نیز به همین ترتیب آن را ناپسند می‌شمارند. در کتاب حیل‌های زن تبه‌کار^۷، لیلیث^۸ را می‌بینیم که به عفریته‌ای می‌ماند می‌ماند که مردان جوان را می‌فریبد و به زنان جوان آسیب می‌رساند. جالب توجه اینکه

1. Mach, Michael, "Angels", p.26; 1Q. Hxi. 20-30.
2. Mach, Michael, "Demons", *Encyclopedia of The Dead Sea Scrolls*, Lawrence H. Schiffman & James C. Vanderkam (eds.), New York, Oxford University Press, 2000, Vol. 1, p. 190.
3. Ibid., p. 190.
4. spirits of the bastards
5. *Songs of the Sage*
6. CD iv.12.
7. *Wiles of the Wicked Woman*; 4Q184.
8. Lilith

لیلیث اینجا همچون جانوری به تصویر کشیده می‌شود که بال و پر دارد و بر بالای سرش شاخی روئیده است.^۱

فرشتهٔ ظلمت و تاریکی که از آن با نام بلیئال یاد می‌شود در رسالهٔ «دو روح» و *نظامنامهٔ جامعهٔ قمران* به چشم می‌خورد. اعضای قمران خود را در برابر پیروان بلیئال قرار می‌دهند و با آنها مبارزه می‌کنند و هر ساله به هنگام تجدید عهدشان، بلیئال و نیروهای او را لعنت می‌کنند، زیرا بلیئال به قلمرو بی‌عدالتی تعلق دارد و فرشتهٔ شر است و فرشته‌های ویرانگر و زیان رسان تحت فرمانروایی او قرار دارند.

مستمه نیز در *یوبیل*، فرشتهٔ روح‌های ناپاک است. در *یوبیل* گفته می‌شود که مستمه از خدا می‌خواهد تا نیروها یا ارواح شرش را نابود نسازد تا تکلیف اغوای انسان‌ها را بتواند به انجام رساند.^۲ او چندین فرشتهٔ ویرانگر را زیر فرمان خود دارد و همانند شیطان عمل می‌کند.

بنابراین بلیئال و مستمه^۳ در *طومارهای بحرالمیت* کارکردهایی مشابه دارند. اصطلاح بلیئال در *کتاب مقدس عبری* در چندین جا به چشم می‌خورد. در «مزامیر» باب ۱۸ آیه ۵ و «دوم ساموئل» ۲۲: ۵ با مرگ و جهان زیرین سروکار دارد و یا در «سفر تثیبه» ۱۳: ۱۴ این اصطلاح برای اشاره به کسانی به کار می‌رود که ملت اسرائیل را به گمراهی می‌کشاند و فرزندان بلیئال نامیده می‌شوند. اما بلیئال و مستمه در *طومارها* به عنوان نیروهای اهریمنی نمود می‌یابد. مستمه در *طومارهای بحرالمیت* اغلب یک نام انتزاعی به معنی «خصومت و دشمنی» است. بلیئال / مستمه فرشتهٔ تاریکی است که برطبق رسالهٔ «دو روح» با نیروها و ارواح خود بر این جهان تسلط دارد و انسان‌ها را به خطا می‌کشد. البته سوای اینها یک کارکرد دیگر نیز دارد و آن جزا دادن انسان‌ها است. بلیئال برای بی‌تقوایان، توانگران و افرادی که مقدسات را حرمت نمی‌نهند، دام می‌گسترد.^۴ باید به این نکتهٔ ظریف توجه داشت که انسان‌ها نمی‌توانند برای فریب خوردن از بلیئال بهانه‌ای بیاورند زیرا صاحب اختیار و گزینش هستند و می‌توانند راه درست را انتخاب کنند. دیگر اینکه خواه فرشتگان

1. Mach, Michael, " Demons", p.190.

2. jub.10.8.

6. Belial/Mastema

4. Mach, Michael, " Demons", p. 191.

شر نسبت به انسان خصومت داشته باشند و خواه خودشان بدطینت باشند به هر حال ساخت دست خداوند هستند همانگونه که در «طومار نبرد» می‌خوانیم: «خداوند ابلیثال را فاسد آفریدی که فرشته‌ای جنگ طلب است.... هدف تمام نیروهای او شرارت و خطاکاری است. ... فرشته‌های ظلمت و ویرانی براساس حکم تاریکی رفتار می‌کنند».^۱ البته نماز خواندن و نیایش خداوند یکی از راه‌های فرار از دام‌های ابلیثال است و جامعه قمران به این امر بسیار توجه می‌کردند آنان علاوه بر نماز یک سری نیایش‌های خاص را نیز می‌خواندند. براساس *اول /خنوخ* پیش از طوفان نوح گروهی از فرشته‌ها که به «نگهبانان»^۲ مشهور هستند فریفته زیبایی زنان می‌شوند، از آسمان به پائین می‌آیند و با آنها می‌آمیزند و آبای تبار غول‌ها می‌شوند.^۳ غول‌ها رفتارهای خشن و نامشروع از خود نشان می‌دهند؛ نخست از حاصل دسترنج انسان‌ها ارتزاق می‌کنند و سپس هنگامی که انسان‌ها دیگر قادر به غذا دادن آنها نیستند، انسان‌ها را می‌کشند. غول‌ها علاوه بر اینکه به انسان‌ها آزار می‌رسانند به حیوانات و پرندگان نیز رحم نمی‌کنند و حتی ماهیان دریاها از شرارت آنها در امان نیستند؛ بنابراین جهان را به تباهی می‌کشانند.

انسان‌ها برای رهایی از این مخمصه نزد خداوند شکوه می‌برند تا راهی برای سرکوب کردن غول‌ها پیش رویشان گشوده شود. از این رو، خداوند جبرئیل^۴ را برای نجات انسان‌ها ارسال می‌کند: «ای جبرئیل نزد غول‌ها برو که آنها حرامزاده هستند و از زنا حاصل شده‌اند، پسران نگهبانان را از میان پسران انسان نابود کن.»^۵ اما داستان به اینجا ختم نمی‌شود؛ غول‌ها که کشته می‌شوند از بدنشان ارواح شر پدید می‌آید که اینها دیوها را به وجود می‌آورند. دیوها ویرانگرند و به انسان‌ها حمله می‌کنند و تا فرا رسیدن آخرالزمان به این کار خود ادامه می‌دهند.^۶ آنها نفیلیم^۷ نامیده می‌شوند که سرانجام در چاهی عمیق زندانی می‌شوند.

1. IQMxiii.10-15.: Mach, Michael, " Demons", p.191.

2. The Watchers

3. I Enoch 15-11.

4. Gabriel

5. Enoch I 10.9; Philips, Alexander, "The Demonology of The Dead Scrolls", *The Dead Sea Scrolls After Fifty Years*, Peter W. Flint & James Vanderkam (eds.), Netherlands, Brill, 1993, Vol.2, p. 338.

6. Ibid., p.338.

7. Nephilim

براساس یوبیل ۸:۱۰ شاهزاده دیوها مستمه نامیده می‌شود که با بلیئال، شیطان، ملک رشا همانند است. تمام این اصطلاح‌ها در متون قمران به موجود شر و نحس اشاره می‌کند. مستمه و بلیئال که اینجا از آن بحث می‌شود در *satan* کتاب مقدس عبری ریشه دارد البته باید توجه داشت که شیطان در کتاب مقدس عبری رقیب خدا نیست بلکه نقش خدادادی دارد، یعنی خداوند برای او برخی کارها را مقرر کرده است، بنابراین به قلمرو الهی تعلق دارد. این باور که شیطان یا بلیئال رقیب خداوند است در ادبیات پس از کتاب مقدس پدید می‌آید.^۱ در متن *طومارها* است که می‌بینیم شیطان در قلمروی دیگری قرار دارد و اهداف پلید پلید خود را در سر می‌پروراند و در تقابل با نیروهای روشنایی و نیکی قرار می‌گیرد. در *طومارها* می‌بینیم که خداوند به شیطان اجازه می‌دهد نیرو بگیرد و کارکردهای خاص خود را داشته باشد یعنی شیطان با اراده و خواست خود سرنوشت خویش را برمی‌گزیند. در کتاب یوبیل ۸:۱۰ که اسطوره نگهبانان را بسط داده است، گفتگوی میان خدا و شیطان و هم‌وردی آن دو را می‌بینیم. هنگامی که فرزندان نوح از حمله‌های فرزندان غول‌ها نزد وی شکوه می‌کنند، نوح از خدا یاری می‌طلبد و خداوند هم فرشته‌های خوب خود را برای کمک به آنها به زمین می‌فرستد تا دیوها را در بند کنند. اما مستمه که در رأس ارواح شر قرار دارد با خدا معارضه می‌کند که: «خدایا، بگذار برخی از آنها (ارواح شر) نزد من باقی بمانند و بگذار تا به ندای من گوش فرا دهند تا هر آنچه که به آنها امر می‌کنم، انجام دهند؛ به همین دلیل اگر برخی از آنها نزد من نمانند، قادر نخواهم بود که قدرت اراده خود را بر انسان‌ها آشکار کنم.»^۲

خداوند نیز حکم می‌کند که دهمین دیو نزد شیطان باقی بماند از این روی مستمه نیز در قلمرو الهی نقشی ایفا می‌کند چرا که انسان‌های پلید و گمراه به دست او مجازات می‌شوند. مستمه با به کار گرفتن دیوها به این کار می‌پردازد زیرا اگر آنها نباشد، او قادر نخواهد بود تا اهداف خود را عملی سازد. بنابراین خداوند خواسته او را با به جا گذاشتن یکی از دیوها اجابت می‌کند.

1. Philips, Alexander, pp. 340-341.
2. Philips, Alexander, p. 342.

در «رساله دو روح» که بخشی از *نظامنامه جامعۀ قمران* است انسان‌ها به دو گروه فرزندان روشنایی و فرزندان تاریکی تقسیم می‌شوند:

«همۀ فرزندان راستی تحت فرمان شاهزاده روشنایی هستند و در طریق نور گام بر می‌دارند، اما تمام فرزندان ناراستی زیر سلطۀ فرشته ظلمت، بلیثال، هستند و در تاریکی‌ها گام می‌نهند. فرشته تاریکی همۀ فرزندان روشنایی را به گمراهی می‌کشاند و تا فرارسیدن آخرالزمان تمام گناهان، کژی‌ها، شرارت‌ها و همۀ کارهای نامشروع، به دلیل حاکمیت بلیثال و براساس اسرار خداوند است.»

خداوند از فرشته تاریکی بیزار است ولی به فرشته روشنایی عشق می‌ورزد، اما خود خدا به صورتی رازگونه این دو روح را آفریده است. یعنی در اصل تمام این امور بر اساس طرح با شکوه ازلی خداوند سامان یافته و در حکمت سر به مهر او، پایه‌ریزی شده است. هر دو فرشته براساس حکمت ازلی خداوند خویشکاری خود را بدون هیچ‌گونه تغییر و سروسوزن خطا به انجام می‌رسانند. تمام کارها در علم خداوند محفوظ است و قانون هر چیزی به دست اوست. خداوند است که هر دو فرشته روشنایی و تاریکی را آفریده است و وظایف خاصی را برای آنها تعیین کرده و راه را به آنها نشان داده است. جامعۀ قمران در مقام پسران روشنایی در معرض شرور بلیثال و دیوها قرار دارند و هر لحظه امکان گمراهی آنها وجود دارد اما می‌توانند به یاری شاهزاده روشنایی امیدوار باشند. شاهزاده روشنایی همان میکائیل و ملک صدیق آسمانی است که همانند بلیثال نیروهایی فرعی زیر فرمان او هستند که همان فرشتگان روشنایی‌اند. در آخرالزمان پسران روشنایی با فرشتگان خیر در یک سپاه قرار می‌گیرند تا با بلیثال و دیوهای همراه او و نیز انسان‌های پلید که به بلیثال و نیروهای شر پیوسته‌اند و در سپاه پسران تاریکی قرار گرفته‌اند، نبرد کنند و آنها را از پای در می‌آورند.^۱

همانگونه که دیوها به انسان حمله می‌کنند و او را آلوده می‌سازند به جهان نیز حمله می‌کنند و آفریده‌های خدا را مورد هدف قرار می‌دهند. همۀ دیوها، غول‌ها و فرشتگان هبوط کرده^۲ به جهان زیرین تعلق دارند. پیروزی خیر بر شر و به بند کشیده شدن دیوها و فرشته‌های شر در جهان زیرین هنگام آخرالزمان بخشی از طرح پاک‌سازی جهان از

1. Philips, Alexander, pp. 343- 344.
2. Fallen Angels

نیروهای اهریمنی است. با گذری بر *طومارهای بحرالمیت* می‌توان با اطمینان گفت که دیوشناسی و فرشته‌شناسی در الهیات جامعه قمران نقش بارز و با اهمیتی را ایفا می‌کند.^۱

هماندی‌های نیروهای خیر و شر در *طومارهای بحرالمیت* و اسطوره‌های ایران باستان

همانطور که پیش از این گفته شد در دین زردشتی سلسله مراتبی برای نیروهای خیر در نظر گرفته می‌شود و هر کدام از آنها کارکردهای خاص خود را دارند. در واقع امشاسپندان و ایزدان که همان نیروهای خیر هستند، واسطه میان انسان‌ها با اهورامزدا و جلوه‌های گوناگون او به شمار می‌آیند. نیروهای شر که از آنها به دیو تعبیر می‌شود در برابر نیروهای خیر قرار می‌گیرند و ساخته و پرداخته دست اهریمن هستند که اهداف پلید او را دنبال می‌کنند.

اورمزد یا خدای روشنائی که در رأس همه نیروها و موجودات خیر قرار دارد به‌همراه نیروهای خیر خود در نبرد کیهانی رو در روی اهریمن و دیوهایش قرار می‌گیرد. امشاسپندان که آفریده‌های اورمزد هستند و موجودات مقدسی به شمار می‌آیند به‌مثابه فرشته‌های بزرگ و مقرباند که نقش بارزی را در بنیان اعتقادی دین زردشتی ایفا می‌کنند. پس از امشاسپندان نیز ایزدان قرار دارند.

در دین یهود فرشته‌هایی را می‌بینیم که یهوه را یاری می‌رسانند خدای کتاب مقدس فرشتگان خویش را برای ابلاغ پیام، محافظت و ویرانی نازل می‌کند و فرشته‌هایی نیز هستند که تنها وظیفه‌شان عبادت خداوند است. فرشته‌ها در بخش‌های پایانی عهد عتیق و همچنین در «کتاب زکریا» کارکرد دیگری نیز پیدا می‌کنند و آن میانجی‌گری برای بنی اسرائیل است. بخش‌های بعدی عهد عتیق به‌ویژه «کتاب دانیال» تأثیر جالب توجه امشاسپندان و ایزدان ایرانی را به معرض نمایش می‌گذارد.

به دلیل چندین قرن سیطره تمدن ایران زمین بر خاورمیانه و ارتباط یهودی‌ها با ایرانی‌ها و به تبع آن انتقال مفاهیم دینی ایران باستان و ورود اندیشه‌های زردشتی به دین یهود شاهد یک سری تحولات و دگرگونی‌هایی در بنیان‌های اعتقادی یهودی هستیم؛ یکی از این تأثیرات و دگرگونی‌های قابل تأمل همان دوگانه‌گرایی است که به نبرد میان خیر و شر منجر می‌شود. در واقع نبرد میان خیر و شر یا نور و تاریکی و یا راستی و ناراستی باوری زردشتی

1. Philips, Alexander, p. 350.

است و هنگامی که این آموزه در دین یهود مشاهده می‌شود نظر بسیاری از پژوهش‌گران را به خود جلب می‌نماید. همچنین تقابل نیروهای خیر که در رأس آنها اورمزد یا اهورامزدا قرار دارد و نیروهای شر که تحت فرمان اهریمن قرار دارند سابقه‌ای در دین یهود ندارد. نیروهای شر که از آن در *طومارها* به شیطان تعبیر می‌شود هم‌اوردی برای یهوه به حساب می‌آیند؛ چنین باوری حاصل ارتباط با دین زرتشت است. باور به داوری فرجامین و رستاخیز و پیروزی نهایی خیر بر شر در آخرالزمان یکی از مهم‌ترین اعتقادات جامعه قمران را تشکیل می‌دهد. این باور سبب به وجود آمدن این اعتقاد شده است که این نبرد و درگیری با کمک فرشته‌های خداوند صورت خواهد گرفت که شیطان و فرشته‌های هبوط کرده را نابود می‌کنند. در بخش‌های بعدی *طومارها* شاهد تحول مفاهیم و اندیشه‌ها و بسط آنها هستیم: شیطان در این متون درست در برابر خدا قرار می‌گیرد و از او نافرمانی و سرپیچی می‌نماید؛ در نتیجه از آسمان‌ها رانده و دشمن قسم خورده انسان‌ها و ویرانگر زمین می‌شود، چرا که اینها آفریده‌های خداوند هستند. در کتاب *اخنوخ* نیز داستان عاشق شدن نیروهای شیطانی را می‌بینیم که با زنان می‌آمیزند و موجودات شرور دیگری را تولید می‌کنند.^۱

در مکاشفه‌ها و نوشته‌های قمران است اهریمن علاوه بر اینکه مخلوق خداست، هم‌اورد او نیز به‌شمار می‌رود. در *نظامنامه جامعه قمران* می‌بینیم که چگونه نور و تاریکی در رقابت با یکدیگرند تا برانسان‌ها تسلط یابند ولی خدا بالاتر از همه آنهاست. در *یوبیل*، مستمه یا بلیال که روح ویرانگر و معادل اهریمن در دین زردشتی است با دیوهای خود مخلوق خدا و تحت فرمان او هستند.

شباهت میان باورهای زردشتی و یهودی به موضوعات جزئی‌تر نیز سرایت می‌کند؛ نیروهای خیر محافظ که اهورامزدا را در حاکمیت بر جهان یاری می‌رسانند امشاسپندان نامیده می‌شوند. همین نمونه را در *یوبیل* می‌بینیم که فرشتگان مقدس همانند یاری‌رسانان اهورامزدا با نظارت بر بخش‌های خاص جهان مورد خطاب قرار می‌گیرند. در *اول اخنوخ* مثال دیگری را می‌یابیم که فرشتگان مقرب، میکائیل و رفائیل، سردیوان یا دیوان بزرگ،

1. Dorothy, Evelyn & Lewis, Oliver & James, R., *Angels A-Z*, 2nd Edition, Malaysia, Visible Ink Press, 2008, p. XVII.

عزازیل^۱ و سمیازل^۲ را در زیرزمین و زیر تخته سنگ‌های بزرگ به یکدیگر می‌بندند تا روز بزرگ داوری فرارسد، که مشابه با آن در اسطوره‌های زردشتی، همین سرنوشت دقیقاً بر اژی‌دهاک روی می‌دهد^۳.

اعضای جامعه قمران با توجه به رویکردهای خاص خویش به مسائل دینی و باور به برخی اندیشه‌های فرجام‌گرایانه به نوع خاصی از ادبیات دینی روی آورده بودند که از آن به مکاشفه تعبیر می‌شود. در مکاشفه همواره یک موجود فراطبیعی به عنوان یک واسطه عمل می‌کند تا پیامی خاص را به انسان منتقل کند. موضوع چنین مکاشفه‌ای یک حقیقت فرازمانی است از آن جهت که رستگاری فرجامین را به بحث می‌کشد و از سوی دیگر فراجاهانی است یعنی در ورای این جهان مادی و در جای دیگر این صحنه به وقوع خواهد پیوست؛ در مکاشفه یهودی این موجود فراطبیعی که توان انجام امور ویژه را دارد یک فرشته است. با دقت در مطالبی که درباره فرشتگان و دیوان گفته شد و با توجه به آنچه که در مکاشفه‌ها یافت می‌شود می‌توان از تأثیر اندیشه‌های ایرانی در شکل‌گیری این باورها سخن گفت^۴.

همچنین تقابل میان نیروهای خیر و شر نیز در این دو سنت مشابه است. در دین زردشتی اورمزد و اهریمن در نبرد فرجامین رو در روی هم قرار می‌گیرند. در طومارها نیز چنانکه بیان شد، فرزندان نور و فرزندان تاریکی در آخرالزمان با یکدیگر می‌ستیزند که سرانجام نور بر تاریکی پیروز خواهد شد.

هماندی‌های میان واژه‌ها و نیز کارکردهای همسان آنها و نیز توجه به اینکه یهودیت در دوره معبد دوم تحت تأثیر اندیشه‌های ایرانی دستخوش دگرگونی شده است پژوهش‌گران را به اندیشه تأثیر دین زردشتی بر فرشته‌شناسی یهودی سوق می‌دهد. ل. گراب در این رابطه می‌نویسد: «فرشته‌شناسی و دیوشناسی یهودیت در دوره معبد دوم همانندی‌های

1. Azazel

2. Semyazl

3. Cohn, Norman, *Cosmos, Chaos and the World to Come*, London, Yale University Press, 2001, p. 222.

4. Collins, John J., "Apocalyptic Literature", *Encyclopedia of Christian Theology*, Jean-Yves Lacoste (ed.), New York, Routledge, 2005, Vol. 1, pp. 64-66.

جالب توجهی با امشاسپندان در دین زردشتی دارد و باید به خاستگاه و انگیزه‌های ایرانی این باورها توجه کرد.^۱

نتیجه‌گیری

با گذری بر *طومارهای بحرالمیت* با اندیشه‌ها و مفاهیمی روبرو می‌شویم که با باورهای ایرانی همانندی دارد. در *طومارها* همانند ایران دو نیروی خیر و شر به چشم می‌خورد که همواره در تقابل با همدیگر قرار دارند و قرار است که در زمانی معین به یکدیگر بپردازند. از این روی، به آفرینش نیروهایی دست می‌زنند تا آنها را در این نبرد یاری رسانند. از این آفریده‌ها به فرشته و دیو تعبیر می‌شود و آنها در مرتبه‌ای پایین‌تر از خداوند قرار می‌گیرند و جلوه‌های او به شمار می‌آیند. فرشته‌ها دارای سلسله مراتبی هستند و هر یک کارکرد ویژه‌ی خود را دارند. محافظت از انسان و نگهداری از پدیده‌ها از جمله کارکردهای آنها محسوب می‌شود. یکی از موارد جالب توجه امشاسپندان هستند که فرشتگان بزرگ در *طومارها* همانند آنها هستند. در مقابل فرشته‌ها دیوها قرار دارند که می‌کوشند تا انسان را از مسیر اصلی منحرف کنند. شباهت نام دیوها و کارکردشان در اسطوره‌های ایرانی و *طومارها* نیز قابل توجه است. در *طومارها* با مفاهیمی نو روبرو می‌شویم که در ادبیات یهودی پیش از آن دیده نمی‌شد. از این رو، در اینجا می‌توان با اطمینان بیشتری از تأثیرات اندیشه‌های ایرانی سخن گفت.

منابع

- آموزگار، ژاله، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران، سمت، ۱۳۸۰.
- همو، "دوگانگی نیکی‌ها و بدی‌ها و برادران دروغین نیکی‌ها در اخلاق زرتشتی"، *زبان، فرهنگ و اسطوره*، تهران، معین، ۱۳۸۶.
- کریستین سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، ابن سینا، ۱۳۸۳.
- مجتبیایی، فتح‌الله، *شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان*، تهران، انتشارات انجمن فرهنگ ایران باستان، ۱۳۵۲.

1. Grabbe, Lester L., *History of the Jews and Judaism in the Second Temple Period: The Persian Period (539-331 BCE)*, London, T&T Clark International, 2006, vol. 1, p. 364.

- موله، م، *ایران باستان*، ترجمه ژاله آموزگار، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۲.
- هینلز، جان، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۵.

- Asmussen, J. P., "Aesma", *Encyclopedia Iranica*, [Online]. Available: www.Encyclopedia Iranica, [December 15, 1983].
- Boyce, Mary, *Textual Sources for the Study of Zoroastrianism*, UK, Manchester University Press, 1984.
- Carnoy, A. J., "The Religion of Ancient Persia", *Catholic Truth Society*, London, 1934.
- Cohn, Norman, *Cosmos, Chaos and the World to Come*, London, Yale University Press, 2001.
- Collins, John J., "Apocalyptic Literature", *Encyclopedia of Christian Theology*, Jean-Yves Lacoste (ed.), New York, Routledge, 2005.
- Dorothy, Evelyn & Lewis, Oliver & James, R., *Angels A-Z*, 2nd Edition, Malaysia, Visible Ink Press, 2008.
- Grabbe, Lester L., *History of the Jews and Judaism in the Second Temple Period: The Persian Period (539-331 BCE)*, London, T&T Clark International, 2006.
- Gutmann, Jushua, "Angels and Angelology", *Encyclopedia Judaica*, Fred Skolnik (ed.), Jerusalem, Keter Publishing House, 1996.
- Hillers, Delbert Roy, "Demons and demonology", *Encyclopedia Judaica*, Fred Skolnik (ed.), Jerusalem, Keter Publishing House, 1996.
- Mach, Michael, "Angels", *Encyclopedia of The Dead Sea Scrolls*, Lawrence H. Schiffman & James C. Vanderkam (eds.), New York, Oxford University Press, 2000.
- Idem, "Demons", *Encyclopedia of The Dead Sea Scrolls*, Lawrence H. Schiffman & James C. Vanderkam (eds.), New York, Oxford University Press, 2000.
- Martinez, Florentino Garcia, "Qumran Origins and Apocalypticism", *Qumranica Minora I*, Eibert J. C. Tigchelaar (ed.), Leiden, Brill, 2007.
- Philips, Alexander, "The Demonology of The Dead Scrolls", *The Dead Sea Scrolls After Fifty Years*, Peter W. Flint & James Vanderkam (eds.), Netherlands, Brill, 1993.
- Shaked, Shaul, "Iranian Influence on Judaism: First Century B.C.E. to Second Century C.E", *The Cambridge History of Judaism*, W. D. Davies & Louis Finklestein, (eds.), New York, 2007.
- Sundermann, Werner, "Zoroastrian Motifs in Non-Zoroastrian Traditions", *Journal of the Royal Asiatic Society*, Series 3, 18, 2, 2008.
- *The Dead Sea Scrolls: Study Edition*, Florentino Garcia Martinez & Eibert J. C. Tigchelaar (eds.), Netherlands, Brill, 1997.

- *The New Encyclopedia of Judaism*, Geoffrey Wigoder & Fred Skolnik & Shmuel Himelstein (eds.), New York, The Jerusalem Publishing House, 2002.
- Yarshater, Ehsan, "Iranian Common Beliefs and World-View", *The Cambridge History of Iran: The Seleucid, Parthian and Sasanian Periods*, Ehsan Yarshater (ed.), Great Britain, Cambridge University Press, 1983.